



بسم الله الرحمن الرحيم





گزارش بررسی راهبردی حضور طلاب و روحانیون در حادثه سیل ۹۸

گروه تبلیغ و ارتباطات پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام



دانش، باور و تجربه دینی و مذهبی

مقدمه

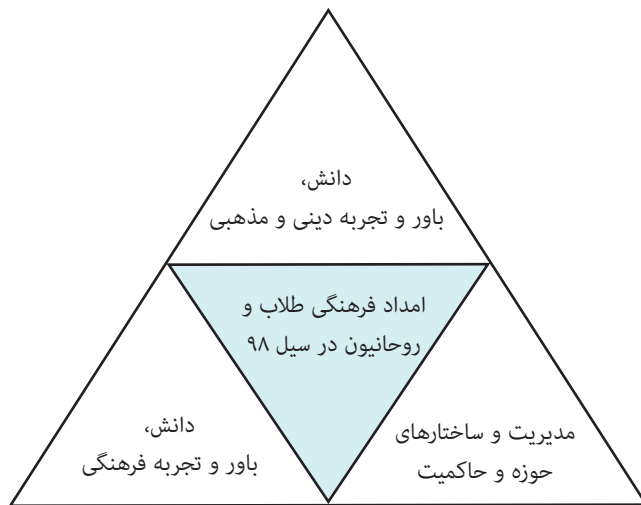
پس از وقوع بحران سیل در فروردین ۱۳۹۸، طلاب و روحانیان برای امداد رسانی به استان‌های سیل‌زده شتافتند و منظره‌های زیبایی از خدمت‌رسانی و همدلی و فداکاری آفریدند. مبلغان دین حضور و نقش‌آفرینی چند وجهی در مناطق سیل‌زده داشتند؛ از پاک‌سازی معابر و منازل و لایروبی رودخانه‌ها و ترمیم سیل‌بندها تا مشاوره‌دهی و اجرای برنامه‌های ویژه کودکان، اقامه نماز جماعت و آموزش معارف اسلامی و شاید بتوان گفت که مهمترین تأثیر حضور روحانیت در میان مردم سیل‌زده، «امیدآفرینی» برای این مردم و «تقویت جایگاه روحانیت در ذهن و باور مردم» بوده است. این گزارش





که نتیجه گفتگو با ۲۶ نفر از طلاب فعال در میدان، مدیران حوزوی استانی^۱، مردم مناطق سیل زده و همچنین مشاهدات عینی نگارنده است، در سه بخش «دانش، باور و تجربه دینی»، «دانش، باور و تجربه فرهنگی» و «مدیریت و ساختارهای حوزه و حاکمیت»، تنظیم و در این سه بخش در ۱۵ مؤلفه به معرفی مهمترین مسائل و طرح راهبردها و راهکارهایی برای حل این مسائل پرداخته شده است. ضمناً برای اعتبارسنجی این گزارش، بعد از تدوین، این گزارش برای ۱۵ نفر از استادان این حوزه و مصاحبه شوندگان، ارسال و براساس نظرات دریافتی اصلاح و تکمیل شده است.

۱. از افرادی که در مصاحبه‌ها و تدوین این گزارش همکاری داشته‌اند: دکتر کاظمی و حجج اسلام، آقایان: کلاه‌کج، رجب‌پور، فاطمی‌کیا، کلاته، پشم‌فروش، سلیمانی، باوی، جزایری، مرادی، فاطمی‌ارفع، امینی‌صالح، موحد، شهبازی، حسین‌زاده، و سرکار خانم حریزآوی.



چارچوب مفهومی گزارش بررسی راهبردی حضور طلاب و روحانیون در حادثه سیل سال ۹۸

❖ ۱- دانش، باور و تجربه دینی و مذهبی

❖ ۱-۱- تمایزبخشی حضور روحانیت

هنگام وقوع حوادثی مانند سیل و زلزله، بیشتر مردم برای کمک به مردم حادثه دیده وارد صحنه می شوند و حضور آنان طبیعتاً برای کمک های عمومی به مردم است. در کنار این حضور، اقشار و گروه های تخصصی نیز به دلایل مشخص و معینی در صحنه امداد رسانی حضور دارند؛ برای مثال، فلسفه حضور نیروی انتظامی تأمین امنیت در این مناطق است. اما آیا حوزویان را نیز می توان جزء گروه های خاص، محسوب و وجه تمایزی برای علت حضور روحانیت در این مناطق تصور کرد؟ و فلسفه و علت حضور سازمان تبلیغات اسلامی در جایگاه یک نهاد حاکمیتی در این مناطق چیست؟

طلاب و روحانیت از نگاه مردم نوعی پناهگاه و تکیه گاه



معرفتی و دینی شناخته می‌شوند که در این‌گونه حوادث علاوه بر تلاش برای رفع نیازهای عامه مردم باید در نقش متخصص حوزه دین نسبت به خطراتی که اعتقادات و باورهای دینی مردم را تهدید می‌کند، حساس بوده، به‌گونه‌ای هنرمندانه - و با توجه به شرایط و اقتضائات - از این خطرات، جلوگیری و حتی در مرحله‌ای بالاتر اعتقادات مردم را تقویت کنند.

مسئله: تحریبات و مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که طلاب - و به‌ویژه برادران - در این شرایط با مسئله‌ای با عنوان «چگونگی به‌کارگیری آموخته‌های مذهبی» یا «الان زمان این کار نیست!» روبه‌رو هستند و اگر این مسئله حل نشود، فلسفه حضور روحانیت جز بازنمایی بیرونی و در نهایت اصلاح تصویر ذهنی مردم از روحانیت، آورده‌ای نخواهد داشت (که البته این آورده نیز در جای خود بسیار مهم و ارزشمند است).



مسئله دیگر وجود ابهام دربارهٔ مأموریت سازمان تبلیغات در این حوادث است؛ آیا این سازمان صرفاً تسهیل‌گر حضور روحانیون و طلاب است و یا این‌که درباره بازخوانی و شناسایی مسائل مذهبی منطقه نیز مسئول است و به صورت واسطه میان مردم و مبلغان اعزامی عمل می‌کند؟

راهبرد:^۱ برای رفع این مسئله پیشنهاد می‌شود:

۱- کارگاه‌های آموزشی «کاربردی‌سازی معارف دینی ناظر به موقعیت‌های بحرانی» در مراکز آموزش کاربردی مراکز حوزوی برگزار شود؛

۲- مأموریت و وظایف سازمان تبلیغات در امداد رسانی در حوادثی مانند سیل و زلزله مشخص شود.

۱. منظور از راهبرد در این متن معنای تخصصی راهبرد و سیاست کلان نیست و در این گزارش از این واژه به صورت یک اصطلاح مشیر برای بیان راهکار و راهبرد و برنامه استفاده شده است.

❖ ۱-۱- ظرفیت‌های بانوان طلبه

آن‌چه غالباً در رسانه‌ها بازنمایی می‌شود، مشکلات سخت و اصطلاحاً مردانه در مناطق آسیب‌دیده است؛ و مشکلاتی مانند خرابی خانه‌ها، ورود گل و لای به خانه‌ها و... در حالی که حداقل نیمی از اعضای منطقه‌های آسیب‌دیده کودکان و بانوان هستند که از لحاظ روحی و روانی به شدت آسیب دیده‌اند و غالباً از آنها غفلت می‌شود. کمک و امداد رسانی برای حل این‌گونه مشکلات، جزء توانمندی‌های تخصصی بانوان است و حوزه‌های علمیه خواهران بزرگترین ظرفیت حوزه علمیه برای حضور مؤثر در این بخش را در اختیار دارند.

مسئله: در این محور با دو مسئله اصلی روبه‌رو هستیم:

- ۱- به رسمیت شناخته‌نشدن ظرفیت بانوان طلبه و حتی ناآگاهی بسیاری از نهادها و حتی حوزویان از این ظرفیت؛
- ۲- توانمندنبودن بانوان طلبه برای حضور مؤثر در این موقعیت‌ها.





راهبرد: برای حل این مسئله پیشنهاد می‌شود:

- ۱- لازم است در قالب گزارش‌ها و جلسات دو یا چندجانبه با سایر نهادها و مراکز ظرفیت‌های حوزه علمیه خواهران و بانوان طلبه به سایر نهادها معرفی شود. همچنین این ارتباط به ویژه باید با سازمان تبلیغات اسلامی در جایگاه نهاد حاکمیتی افزایش یابد؛ نهادی که در سراسر کشور شبکه رسمی دارد و دستگاه‌ها و شوراهای اداری در هر استان و شهرستان است آن را دارای جایگاه پذیرفته شده‌ای می‌دانند.
- ۲- حوزه علمیه خواهران باید در بخش آموزشی خود تغییر جدی ایجاد کند و لازم است با بهره‌گیری از تجربه سیل، از تمرکزگرایی و یکسان‌نگری در دروس حوزوی خواهران طلبه پرهیزد و دروس خواهران طلبه را متناسب با نیازهای فکری خانواده‌ها و خصوصا بانوان هر منطقه طراحی کند.
- ۳- لازم است در کنار دروس اصلی حوزوی، دروس تخصصی

(مانند روان‌شناسی) درباره چگونگی رفتار با خانواده‌های آسیب‌دیده - به ویژه زنان و کودکان - و چگونگی رفع نیازها و مشکلات جسمی و روحی آنها گنجانده شود و شاید بتوان در ضمن دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و به صورت کارگاهی تعدادی از خواهران طلبه را به صورت تخصصی با این دیدگاه آموزش داد.

❖ ۱-۲- برنامه بلندمدت برای حضور مبلغان در این مناطق

هم‌زمان با وقوع حوادث طبیعی و به دلیل تمرکز رسانه‌های عمومی بر مشکلات مردم حادثه‌دیده، حضور و همکاری مردم از گروه‌ها و اقشار مختلف برای کمک به مردم همه را خوشحال می‌کند اما با گذشت زمان و کم‌شدن اخبار این مناطق در رسانه‌ها و همچنین وجود برخی مشکلات اداری و...، میزان حضور مردم در این مناطق به تدریج کاهش می‌یابد؛ در حالی



که مشکلات روحی، روانی و اعتقادی پدیدآمده به سبب این حوادث در بلندمدت بر افراد اثرگذار است و در این حال حضور متخصصان در میدان الزامی است.

مسئله: مهم‌ترین مسئله در این باره تمرکز و تجمیع همه توان‌ها برای مدت زمان محدود وقوع سیل و نهایتاً چند هفته بعد از آن و غفلت از نگاه راهبردی و حداقل میان مدت برای ارتباط با مردم این مناطق و پاسخ دادن به سوالات و شبهات آنها است. در این حالت علاوه بر ضعف برنامه‌ریزی مدیران و متولیان این حوزه از انگیزه طلاب نیز به تدریج و با کم شدن اخبار رسانه‌ای کاسته می‌شود و برخی دیگر نیز به دلیل مشکلات و موانع موجود در نظام آموزشی حوزه نمی‌توانند در این مناطق حضور داشته باشند و در نتیجه، تنها عده کمی در صحنه باقی می‌مانند و پیامد این مسئله آن است که زحمات و تلاش‌ها و خدماتی که در این مدت کوتاه با حجم وسیع انجام

شده است، در بلندمدت، کمترین بهره‌وری و اثر را در تقویت بنیان‌های اعتقادی و باورهای دینی و مذهبی مردم خواهد داشت. این نکته نیز مهم است که برخی گروه‌ها و فرقه‌های منحرف از این شرایط استفاده کرده، برنامه حضور خود را در این مناطق به صورت میان‌مدت و بلندمدت طراحی کرده، در مسیر اهداف خود بیشترین بهره‌برداری را از شرایط را دارند.

راهبرد: از راهبردهایی که در این باره می‌توان به آنها اشاره کرد، عبارتند از:

۱- گزارش دهی مستمر اداره تبلیغات اسلامی مناطق سیل‌زده از وضعیت دینی و فرهنگی منطقه به نهادهای رسمی برای اطلاع‌رسانی و اعلام ضرورت حضور بلندمدت طلاب در این مناطق؛

۲- تدوین و اجرای برنامه میان‌مدت و بلندمدت برای حضور طلاب بومی در این مناطق به صورت دوره‌های دو تا سه ماهه؛



- ۳- تدوین نظام انگیزشی و اجرایی (رفع موانع اجرایی به ویژه در نظام آموزشی) برای حضور طلاب در این مناطق؛
- ۴- استفاده از ظرفیت فضایی حوزوی برای پاسخ به سؤالات و شبهات اعتقادی و دینی مردم این مناطق؛
- ۵- بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضای مجازی (در کنار حضور میدانی) برای تداوم ارتباط با مردم مناطق.



۲. دانش، باور و تجربه فرهنگی

۱-۱- مردم‌گرایی

از ویژگی‌های روحانیت در گذر تاریخ این است که همواره در کنار مردم بوده، مردم نیز روحانیت را پناهگاه خود می‌دانستند. این ویژگی ممتاز روحانیت که قدرت کم‌نظیری برای حوزه علمیه ایجاد کرده است در برخی برهه‌ها خدشه‌دار شد. در این گزارش در پی آن نیستیم که عوامل خدشه‌دار شدن این ویژگی را بررسی کنیم اما بدون شک دو عامل اساسی اقدامات و برنامه‌های گروه‌های مخالف و دشمنان و برخی اقدامات نسنجیده گروهی از روحانیون در این موضوع اثر فراوانی داشته است. در حادثه سیل اخیر حضور روحانیت و نهادهای حوزوی در کمک به مردم نشان داد که روحانیت در کنار مردم است و با این کار نگاه‌های بسیاری از مردم این مناطق نسبت



به روحانیت تغییر یافت اما روی دیگر سکه آن است که تا قبل از وقوع سیل فاصله بسیار زیادی میان روحانیت و مردم در این مناطق وجود داشته است؛ چراکه هم بسیاری از روحانیون با دیدن وضعیت مردم متعجب می‌شدند و هم مردم بسیاری از مناطق نیز با دیدن روحانیون در صحنه کمک و امداد، اذعان می‌کردند که تصورات ذهنی دیگری نسبت به روحانیون داشته‌اند که اکنون تغییر کرده است.

مسئله: به فاصله ایجاد شده میان روحانیت و مردم می‌توان از دو بعد توجه کرد:

۱- واقعی و عینی: در برخی موارد واقعا این فاصله ایجاد شده است و روحانیت خود را تافته جدا بافته از مردم دانسته‌اند یا گمان می‌کنند که مردم طبقه دیگری هستند و صرفا باید تابع و گوش‌دهنده باشند. در برخی موارد نیز این فاصله به دلیل گرایش زیاد برخی روحانیون به حاکمیت و ایجاد ساختار



دوگانه حاکمیت- مردم به وجود آمده است؛

۲-۲- مجازی و ذهنی: در برخی موارد این فاصله به دلیل تصویر ذهنی ایجاد شده به سبب گزارش‌های نادرست برخی از معاندان و دشمنان به مردم ایجاد شده است. به بیان دیگر، در واقعیت، قشر روحانی مدام در حال تلاش برای حل مشکلات مردم هستند اما ذهنیتِ ایجاد شده برای مردم خلاف آن است. در این دو بعد، علاوه بر خود روحانیون، نهادهای حوزوی مسئول امور تربیتی و رفاهی طلاب نیز نقش مؤثری دارند؛ چراکه تمرکز بر خود و درون‌گرایی افراطی برخی از این نهادها به درون‌گرایی طلاب انجامیده است.

بنابراین در این بخش می‌توان سه مسئله اصلی مطرح کرد:

- ۱- فاصله گرفتن روحانیت از مردم؛
- ۲- توجه نداشتن روحانیت به بازنمایی خود در ذهنیت مردم؛
- ۳- درون‌گرایی افراطی برخی نهادهای حوزوی و تمرکز بر توجه



به خود به جای توجه به مأموریت و رسالت.
راهبرد: برای حل این مسئله می‌توان از راهبردهای زیر
 کمک گرفت:

۱- حضور روحانیت در خدمات اجتماعی- فرهنگی (امداد فرهنگی)، بهترین مسیر برای ایجاد ارتباط و کاهش فاصله واقعی با مردم است. این کار، جزء سیره علمای بزرگ بوده است و با توجه به درگیری مردم و جامعه با آسیب‌های اجتماعی، این حضور روحانیت، هم به کاهش دردهای مردم کمک خواهد کرد و هم بار بزرگی از دوش حاکمیت برخواهد داشت.

۲- تجربه حضور روحانیت در مناطق سیل‌زده و به ویژه روستاهای محروم نشان داد که مشکلات اجتماعی و فرهنگی و حتی فقر اقتصادی در این مناطق بسیار فراوان است که بخشی از این مشکلات به دلیل بی‌اطلاعی مسئولان و تلاش نکردن برای

بیان صحیح این مطالبات بوده است. بنابراین، روحانیت می‌تواند در جایگاه واسطه میان مردم و حاکمیت، در این مسیر نقش مؤثری داشته باشد که برای این امر به افزایش تعداد روحانی مستقر و ثابت در روستاها و مناطق محروم نیاز هست.

۳- «بازنمایی صحیح از حضور روحانیت در کنار مردم»، راهبردی است که باید به شدت به آن توجه کرد. این امر، هم، حوزه‌ای تخصصی است و نیاز هست که افرادی به صورت تخصصی در حوزه رسانه آموزش داده شوند و هم در آن به تخصص‌های جانبی دیگری نیاز هست تا این بازنمایی به گونه‌ای نباشد که به ضد خود تبدیل شود. برای مثال، تأکید صرف (در تصویر یا فیلم) بر این‌که فقط روحانیت در این حادثه حضور داشته و به کمک مردم شتافته است، ممکن است بر ذهنیت مردم اثر منفی داشته باشد و میان روحانیت با سایر گروه‌ها شکاف ایجاد کند.



۴- مأموریت سازمان‌ها و نهادهای حوزوی فراهم کردن مسیر حرکت برای تحقق اهداف و رسالت‌های طلاب است اما آنچه در برخی از سازمان‌ها رخ داده (به دلیل غلبه روحیه سازمان‌زدگی)، توجه به اصل بقای سازمان و نهایتاً کمک به حفظ حضور روحانیت بوده است؛ برای مثال، در میان سازمان‌های فراوان فرهنگی، علمی، پژوهشی، اجرایی و... حوزوی؛ مراکزی که مأموریت آنها به صورت رسمی آموزش شیوه‌های خدمات اجتماعی فرهنگی به مردم باشد، بسیار اندک است. برای نمونه می‌توان به سازمان تبلیغات اسلامی اشاره کرد که با وجود داشتن ظرفیت‌های گسترده و کم‌نظیر، آن‌گونه که شایسته است به امور خدمات اجتماعی و پیوند میان تبلیغ دین با رفع مشکلات اجتماعی مردم توجه نکرده است. پس، پیشنهاد می‌شود، برنامه‌ها و اهداف سازمان‌های حوزوی بر مبنای نقش مردم و طلاب در

آن سازمان بازخوانی شود.

❖ ۱-۲- شناخت فرهنگی از بوم

تجربه وقوع سیل در سه استان قومیتی (گلستان، لرستان و خوزستان) نشان داد، آن گروهی در میدان موفق تر است که شناخت دقیق تر و جامع تری از فرهنگ و مردم منطقه داشته باشد و این ناآگاهی در سطوح مختلف مسئولان کشوری و لشکری و حوزوی و گروه های جهادی و مردمی باید بررسی شود. «انداختن عکس سلفی با مردم سیل زده در حین کمک کردن، نبردن هدیه برای مردم سیل زده، استفاده از راهکارهای اصطلاحاً صداوسیمایی برای شاد کردن کودکان و زنان و...» از مواردی است که در نگاه اول بسیار ساده به نظر می رسد اما فرهنگ برخی مناطق و اقوام با این نوع برنامه ها کاملاً متضاد است و انجام این اقدامات به وقوع اختلافات و درگیری انجامیده است.

مسئله: شناخت دقیق از منطقه از دو طریق حاصل می‌شود:

۱- فرد طلبه، بومی و ساکن منطقه باشد؛ و ۲- استفاده از اطلاعات افراد مطلع و مردم منطقه و طبیعتاً در راه دوم باید کمی صبر و حوصله داشت. مسئله اصلی در این باره ایجاد حالت دوگانه‌ای است که در یک سوی آن «سرعت» است و طلبه می‌خواهد در سریع‌ترین زمان ممکن مشکل مردم را حل‌کند و در سوی دیگر آن، «کسب شناخت و آگاهی» است که با قدری صبر و طمأنینه به دست می‌آید. اگرچه وجود «سرعت» در انجام امری پسندیده است اما گاهی اوقات این سرعت به سبب نداشتن شناخت کافی از ویژگی‌ها و فرهنگ مردم سبب افزایش هزینه‌های مادی و معنوی می‌شود؛ برای مثال، زمانی که برخی بانوان در مکان‌ها به افسردگی دچار می‌شوند راهکارهای زیادی مانند مشاوره، برگزاری برنامه‌های شاد و.. برای کاهش آلام و افسردگی آنان برگزار می‌شود اما اکثر این اقدامات نتیجه

معکوس در پی دارد، تا اینکه واگذاری «تنورهای کوچک پخت نان» در قالب راهکاری برخاسته از منطق با فرهنگ بومی، مشکل افسردگی آنان را حل می‌کند.

مسئله دیگری که در این باره باید به آن توجه کرد، اهمیت و جایگاه «زبان‌های محلی و بومی» در امداد رسانی است؛ برای مثال، برگزاری برخی جشن‌های نیمه شعبان با مداحی فارسی برای برخی مردم مناطق سیل‌زده، چندان بجا نبوده، باعث خستگی و رخوت مخاطبان و حتی برگزارکنندگان شده است. همچنین تسلط نداشتن به زبان و نبود فرد مسلط به زبان بومی در یک گروه تبلیغی طلاب - خصوصا در مناطق سیل‌زده اهواز - باعث می‌شود حضور طلاب صرفا برای زدن سیل‌بند باشد و امکان هرگونه گفتگو و ارتباط‌گیری با مردم منطقه وجود نداشته باشد. سومین مسئله در این محور، ناظر به نهادهای حوزوی است و آفت‌ها و معایب انتخاب افراد غیر بومی برای این مناطق - به



ویژه مناطق قومیتی - بسیار بیشتر از محاسن آن است.
راهبرد: برای حل این مسئله لازم است به پنج راهبرد اساسی توجه کرد:

۱- اعزام گروه‌های تبلیغی و جهادی طلاب با راهبری و هدایت یک طلبه بومی از اهالی منطقه؛ به این امر خصوصا در اعزام طلاب خواهر به شدت باید توجه کرد.

۲- برای سازماندهی گروه‌های تبلیغی و امدادی طلاب در کمک‌رسانی، لازم است مناطق کشور بر حسب مشترکات فرهنگی طبقه‌بندی شوند. در این الگوی طبقه‌بندی، برای مثال، استان‌های دارای زبان و فرهنگ «لر» یا «عرب» در یک گروه قرار می‌گیرند و در هنگام وقوع حادثه و حتی در ایام تبلیغی اولویت اعزام از این مناطق به یکدیگر خواهد بود. به بیان دیگر، استان‌های هم‌فرهنگ، معین یکدیگر تعریف می‌شوند.

۳- با توجه به اینکه حضور طلاب در میان مردم فقط برای ایام سیل یا زلزله نیست و این گروه در اوقات معینی مانند ماه رمضان و محرم و به صورت پیوسته با مردم ارتباط دارند، این فرصت زمینه بسیار خوبی برای شناخت و معرفی فرهنگ‌ها و تغییرات رفتاری و نگرشی مردم ایران است و باید برای تقویت دانش و توانمندی طلاب در این زمینه دوره‌های کوتاه‌مدت مردم‌نگاری و روش ثبت و بیان آنها به طلاب علاقه‌مند آموزش داده شود.

۴- در اعزام گروه‌های تبلیغی به مناطق سیل‌زده اولویت با گروه‌هایی باشد که قبلاً در این مناطق در نقش مبلغ حضور داشته‌اند، زیرا حضور این مبلغان نگاه مردم منطقه را نسبت به دین و مبلغین به شدت مثبت خواهد کرد.

۵- برگزاری دوره‌های امداد فرهنگی برای طلاب براساس مناطق فرهنگی کشور؛ بنابراین محتوای دوره (اعم از استادان و



متون آموزشی) و مخاطبان باید براساس بوم و موقعیت‌های نسبتاً یکسان، انتخاب و آموزش‌های ناظر به تجارب میدانی در کنار آموزش‌های نظری قراردادده شود.

۶- اولویت انتخاب مسئولان و مدیران نهادهای دینی و حوزوی مانند سازمان تبلیغات اسلامی و مرکز خدمات حوزه از افراد بومی هر منطقه باشد.

❖ ۳-۱- رصد و نیازسنجی

وقوع حوادثی مانند سیل بر احساسات و عواطف انسانی به شدت اثر می‌گذارد و هر «انسانی» تلاش می‌کند از همراهی به یاری مردم حادثه‌دیده بشتابد. برخی با کمک‌های نقدی و غیرنقدی در این امداد رسانی شریک می‌شوند و برخی دیگر جز به حضور در میدان راضی نمی‌شوند. نکته مهم در این موقعیت آن است که این سیل کمک‌ها زمانی اثربخش خواهد



بود که متناسب با نیازشناسی دقیق انجام شده باشد و به این نیازشناسی در بخش‌های مختلف مانند کمیت و کیفیت اعزام نیروها، ارسال تجهیزات و... باید توجه کرد.

مسئله: از ویژگی‌های مثبت و بارز طلاب حضور سریع در میدان عمل است و براساس حس تکلیف‌محوری موجود در طلاب، هم‌زمان با وقوع حادثه سیل گروه‌های تبلیغی زیادی با هزینه‌های شخصی عازم مناطق سیل‌زده شدند که این کار در جای خود ستودنی است. اما این حضور باید برای انجام چه کارهایی و چگونه انجام شود؟ اینکه برخی طلاب برای حضور در مناطق حتی وسایل اولیه را برای کمک‌رسانی به همراه خود نداشته باشند یا بدون کسب اطلاع و شناخت نیازها به پاک‌سازی مناطقی بپردازند که در اولویت نیست، نمونه‌های جزئی از ضعف نیازشناسی است. مسئله دیگری که در حوزه نیازشناسی مهم است، رصد میدانی درباره نیاز به مبلغ



فرهنگی دینی و مهمتر از آن، نیازهای فرهنگی دینی در منطقه است. بسیاری اوقات مبلغ دینی بدون هیچ شناختی به میدان وارد شده، به صورت آزمون و خطا و بعد از گذشت مدت زمانی به نیازها و آسیب‌های فرهنگی اعتقادی مردم پی می‌برد. **راهبرد:** برای حل این مسئله موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- تقویت بعد «رصد» و آموزش شیوه‌های شناسایی نیازهای مردم در مواقع بحرانی و غیربحرانی از ضرورت‌هایی است که لازم است در آموزش‌های کاربردی مراکز حوزوی به آن توجه شود؛

۲- هماهنگی گروه‌های مختلف قبل از انجام هرگونه عملیات و اقدامی با قرارگاه مرکزی یا ستادهای محلی و منطقه‌ای (این راهبرد در بخش‌های بعدی بیشتر توضیح داده خواهد شد)؛

۳- طراحی و به‌کارگیری سامانه‌های متناسب با این نیاز از راهبردهای اساسی برای حل این مشکل است. امروزه با

وجود فضای مجازی و متخصصان این حوزه می‌توان و سامانه‌هایی طراحی کرد که متخصصان دینی و مبلغان و معتمدان محلی به صورت آنلاین (برخط) و بهنگام، نیازها و آسیب‌های فرهنگی اعتقادی منطقه را گزارش کنند تا مبلغی که به منطقه اعزام می‌شود با شناخت کامل تری به منطقه وارد شود تا از قبل، متناسب با نیازها، برخی توانمندی‌ها را در خود ایجاد و تقویت کند.

❖ ۴-۱- مهارت‌های مدیریت فرهنگی

در کنار شناخت ویژگی‌ها و اقتضائات خاص هر منطقه باید به یک سری اصول و مهارت‌های مدیریت فرهنگی (به صورت عام) نیز توجه کرد؛ به بیان دیگر، مبلغ و روحانی حاضر در منطقه در کنار رفع مشکلات دینی مردم منطقه می‌تواند در نقش یک مدیر فرهنگی در مراکز و اردوگاه‌ها حضور داشته باشد

و با طراحی و اجرای برنامه‌های مختلف مدیریت این حوزه را به صورتی صحیح انجام دهد. طبیعتاً اداره این حوزه به صورت فردی ممکن نیست و لازم است در آن به مهارت‌های سازمانی و تشکیلاتی نیز توجه کرد.

مسئله: وقوع سیل با وجود ایجاد سختی‌ها و مشکلاتی برای مردم فرصت کم‌نظیری را نیز برای ارتباط با مردم در بازه زمانی مشخص و مکانی معین پدید آورد. حضور مردم در اردوگاه‌ها در مناطق سیل‌زده فرصت‌های فراوانی را برای طلاب فراهم آورده بود ولی به دلیل ناآشنایی آنها با مهارت‌های مدیریتی در حوزه فرهنگ از این فرصت و ظرفیت به صورت بهینه استفاده نشد.

راهبرد: اصلاح امور «فرهنگی» (به معنای عام) مهمترین دغدغه یک طلبه و روحانی است و شاید بتوان گفت که از الزامات تحقق مطلوب این مسئله داشتن دانش مدیریت فرهنگی است. اگر به صورت تشکیکی به این راهبرد نگاه

کنیم، می‌توان گفت، مدیریت امور فرهنگی در امور خرد تا کلان و در شرایط مختلف از مسائلی است که برای طلاب بسیار ثمربخش خواهد بود. در این باره می‌توان بسته‌های آموزشی ناظر به «مدیریت فرهنگی در شرایط بحران» را تدوین و منتشر کرد. همچنین باید دوره‌های آموزشی کارگاهی را در این باره برای مدیران سازمان تبلیغات اسلامی در مناطق حادثه‌خیز برگزار کرد.

❖ ۵-۱- بازنمایی رسانه‌ای

کمتر کسی است که امروزه قدرت «رسانه» را باور نداشته باشد. امروزه قدرت رسانه به گونه‌ای است که با آن بسیاری از حقایق تغییر داده و حتی جای جلاد و شهید در ذهن مردم عوض می‌شود؛ به بیان دیگر، باید توجه داشت که حضور در میدان واقعی دنیای جدا از بازنمایی آن حضور در میدان فضای



مجازی است. گاهی «بازنمایی» حضور طلاب به گونه‌ای صورت می‌گیرد که اصلاً با هدف و آرمان طلاب و روحانیون حاضر در صحنه هم خوانی ندارد و این بازنمایی حتی ذهنیت مردمی را که شاهد این حضور بودند را نیز تغییر می‌دهد.

مسئله: به این مسئله در چند جای دیگر این گزارش اشاره شده و با توجه به اهمیت آن، بار دیگر به صورت جداگانه به آن پرداخته شده است. مهمترین مسئله‌ای که در این باره با آن روبه‌رو هستیم بی‌توجهی به قدرت و توان رسانه در تغییر ذهنیت مردم درباره حضور روحانیت و طلاب است. این بی‌توجهی را گاهی خود طلاب و روحانیون انجام می‌دهند و به این امر توجه کافی ندارند و گاهی نهادها و سازمان‌های مسئول حوزوی - به ویژه بخش‌های رسانه‌ای - مسئول آن هستند؛ یعنی به برداشت و ادراک مردم توجه ندارند.

راهبرد: راهبردهای ناظر به حل این مسئله:

۱- بازنمایی صحیح حضور روحانیت در کنار مردم با استفاده از متخصصان رسانه‌ای و جامعه‌شناسی و مردم‌نگاری (ارجاعی از بخش مردم‌گرایی)؛

۲- آگاه‌کردن مسئولان و مدیران سازمان‌های حوزوی به چگونگی تأثیر بازنمایی رسانه‌ای در ادراک و ذهنیت‌سازی مردم؛

۳- آگاه‌سازی مبلغان و نخبگان مؤثر میدانی به چگونگی تأثیر بازنمایی رسانه‌ای در ادراک و ذهنیت‌سازی مردم.

❖ ۱-۶- تجربه‌نگاری

تولید دانش فرهنگی از مؤلفه‌هایی است که امروزه به آن توجه می‌شود و از نظر پژوهشگران از مهمترین مسیرها برای تولید دانش فرهنگی، توجه به حوزه تجربه‌نگاری است. در واقع، تجربه با آموزش و پژوهش پیوند ناگسستنی دارد و پژوهش از بستر بررسی نظام‌مند و عالمانه تجارب میدانی پدید می‌آید



اما به این فرایند در سالیان بسیار به دلایل مختلف بسیار بی توجهی شده است، در حالی که ظرفیت های نظام جمهوری اسلامی به دلیل مردمی بودن آن و حضور مردم در همه صحنه ها برای تولید دانش کم نظیر است.

مسئله: حوزه های علیمه و سازمان تبلیغات اسلامی ظرفیت های کم نظیر و شاید بی نظیری برای تولید دانش فرهنگی و آماده سازی گزارش های رصدی مبتنی بر واقعیت های میدانی دارند و اعزام بیش از ده هزار طلبه به نقاط مختلف کشور در ماه رمضان و ماه محرم یک نمونه از این ظرفیت هاست. در حوادث مختلف مانند سیل اخیر نیز روحانیون پیشگام حضور در صحنه بودند اما مسئله این است که این حضور صرفاً در جنبه فرهنگی باقی مانده و برای تبدیل این تجارب به دانش ساختارمند هیچ تلاشی نشده است. از علل شکل نگرفتن این جریان دانشی در حوزه های علمیه، ناآگاهی به ضرورت و

اهمیت این کار و ضعف توانمندی طلاب (از حیث روشی و دانشی) برای انجام آن و حمایت نکردن سازمان‌ها و مؤسسات پژوهشی حوزوی و غیرحوزوی از این موضوع است.

راهبرد: برای حل این مسئله موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- برگزاری کارگاه آموزش تجربه‌نگاری برای عموم طلاب؛
- ۲- تربیت پژوهشگرانی برای تجربه‌نگاری حضور طلاب در صحنه‌های فرهنگی اجتماعی؛
- ۳- برگزاری نشست‌های علمی درباره این موضوع و تبدیل این حضور به گفتمان علمی؛
- ۴- حمایت از انجام و انتشار پژوهش‌های تجربه‌نگاری در مراکز پژوهشی حوزوی و سازمان تبلیغات اسلامی؛
- ۵- گزینش و آموزش حداقل ۵۰ کارشناس خبره در مجموعه سازمان تبلیغات اسلامی (بر مبنای موقعیت‌های جغرافیایی مختلف) برای تجربه‌نگاری فعالیت‌های میدانی مبلغان.

❖ ۳- مدیریت و ساختارهای حوزه و حاکمیت

❖ ۱-۲- جریان سازی و شبکه سازی

در فضای امروزی شبکه سازی کنشگران و جریان سازی فعالیت ها اهمیتی فوق العاده دارد و مدیران بسیاری از تصمیمات را براساس اطلاعات و داده هایی می گیرند که این شبکه ها آنها را به یک جریان تبدیل کرده باشند و مسئولان معجب شوند که برای حل آن مسئله هزینه کنند. خود حاکمیت نیز به این باور رسیده است که ظرفیت های اداری و حاکمیتی برای حل بسیاری از مشکلات، کافی نیستند و ناگزیر باید به سراغ ظرفیت های مردمی رفت و در این باره به ظرفیت های تبدیل شده به شبکه و جریان بیشتر توجه می شود و آنها اعتماد حاکمیت را بیشتر جلب خواهند کرد.

مسئله: حضور بسیاری از طلاب در صحنه امداد رسانی



ظرفیت بسیار خوبی ایجاد کرده است و این افراد و کنشگران باید با یکدیگر ارتباط داشته باشند. مهمترین مسائلی که در این باره باید به آنها توجه داشت، موارد زیر است:

۱- پایان یافتن ارتباطات فعالان میدانی بعد از حضور کوتاه مدت در میدان و ارتباط مستمر نداشتن آنها با یکدیگر؛

۲- استفاده نکردن از داده‌های میدانی در قالب شبکه اطلاعاتی منسجم و به‌روز کردن آنها؛

راهبرد: مهمترین راهبردهای حل این مسئله:

۱- بهره‌گیری از ظرفیت فضای مجازی در طراحی فضاهایی برای ایجاد ارتباط مداوم فعالان میدانی با یکدیگر؛

۲- حمایت‌های معنوی نهادهای حوزوی مرتبط مانند دفتر و

سازمان تبلیغات اسلامی از اعضای فعال در این شبکه ارتباطی؛

۳- مشارکت‌دهی سایر گروه‌های جهادی در این شبکه ارتباطی برای گسترش دامنه اطلاعاتی و گسترش میزان



خدمات رسانی؛

۴- معرفی این ظرفیت (شبکه و سامانه ارتباطی) به مدیران و مسئولان ملی (بعد از تبدیل شدن آن به یک جریان دائمی و فعال).

❖ ۲-۲- مناسبات مردم و حاکمیت

در نظام اسلامی رابطه میان مردم و حاکمیت، رابطه دوطرفه است و هر دو درباره یکدیگر تکالیف و حقوقی دارند. دولت نیز به معنای خاص آن جزئی از حاکمیت است. روحانیت در این مناسبات و در جایگاه واسطه میان مردم و حاکمیت می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد اما روحانیت نمی‌تواند به دلیل دفاع از مردم به نفی مطلق حاکمیت و یا برای دفاع از حاکمیت به نفی مطلق جایگاه مردم رأی دهد.^۱ به بیان دیگر، بیان نقاط

۱. «از افراط و تفریط در بیان پرهیزید. شما ملاحظه کنید؛ در قرآن وقتی درباره‌ی مثلاً فرض کنید کفار و مخالفین پیغمبریک مطلبی را بیان می‌کند، بعد می‌گوید: وَلَکِنَّ



قوت و ضعف هردو - حاکمیت و مردم - وظیفه روحانیت است و از این مسیر مناسبات این دو با یکدیگر واقعی شده در مسیر صحیح خود تداوم خواهد یافت.

مسئله: از باورهای نادرست که به سبب ضعف عملکرد یا اقدامات غلط برخی مسئولان در حادثه سیل شکل گرفت، جدایی میان دولت و مردم و ایجاد ساختار دوگانه «دولتی - مردمی» بود. این ساختار دوگانه در برخی موارد دیده می‌شود که نیروهای حاضر در صحنه بر این امر تأکید می‌کردند که نیروهای مردمی و طلاب حضور دارند ولی نیروهای دولتی نیستند! در نگاه این عزیزان نیروهایی مانند سپاه، ارتش، بسیج

أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ؛ نمی‌گوید «و لَكْتَهُمْ يَجْهَلُونَ»، می‌گوید: أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ، یعنی یک عده‌ای هم در بین‌شان هستند که محکوم به این حکم نیستند. این جور نباشد که شما به طور قاطع یک مجموعه را نفی کنید یا اشکالی بر آنها وارد کنید؛ در حالی که ممکن است بعضی از اینها مشمول این اشکال شماها نباشند. اینها تذکراتی است که [مهم است].» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۹۸/۳/۱).



و حتی راهداری، بنیاد مسکن، هلال احمر و... جزء حاکمیت و نه دولت محسوب می‌شوند. نگارنده معتقد است و باور دارد که اقدامات برخی مسئولان دولتی و... در این حادثه قابل نقد است و هر مسئول خطاکاری باید مؤاخذه شود، اما ایجاد این ساختار دوگانه و نفی مطلق دولت و انتشار آن در فضای ذهنی مردم نتیجه‌ای جز بی‌اعتمادی و از بین بردن حاکمیت نخواهد داشت. به بیان دیگر، باید میان نقد و انتقاد از رفتار برخی مسئولان و مواخذه آنان با رد کردن اعتبار «کل» جدایی قائل شد و انتظار هست که این امر را روحانیت در جایگاه واسطه میان مردم و حاکمیت انجام دهد. همچنین، تأکید بر این ساختار دوگانه در زبان طلاب، مقام «روحانیت» را در نگاه مردم به یک گروه سیاسی طرفدار یا دشمن دولت تبدیل خواهد کرد و به صورت ناخواسته ارتباط روحانیت با بخشی از مردم آسیب خواهد دید.



راهبرد: راهبردهای حل این مسئله:

۱- در دوره‌های آموزشی بصیرت‌افزایی سیاسی و... بر این امر تأکید و به آن در جایگاه یک راهبرد جدی توجه شود «بیان صریح و آشکار و مستقیم، به سود یا ضرر فرد یا گروه و یا دولت و... کمتر به اصلاح نگرش مردم می‌انجامد». آنچه که در نظر مردم اهمیت دارد، در درجه اول «عمل» است و نوع نگاه و اندیشه را می‌توان در عمل دید و این موضوع باید به صورت تدریجی و غیرمستقیم بیان و در این باره دقت شود که از «نقد رفتار مسئولان» با ایجاد تقابل‌های نادرستی مانند «مردم - دولت» و «دولت - حاکمیت» پرهیز شود؛ زیرا استمرار این تقابل‌های دوگانه در نهایت به از بین رفتن هردو خواهد انجامید؛

۲- در اصلاح این مسئله، رفتار و عمل مدیران و نخبگان طلاب (به صورت عام) بسیار بیشتر از آموزش‌های نظری اثرگذار



خواهد بود؛ به بیان دیگر، حل این مسئله در گرو اصلاح نگاه و باور مدیران (خصوصاً مدیران میانی) و نخبگانی مانند سرگروه‌های تبلیغی و فعالان جهادی طلاب است. همچنین می‌توان نمونه‌های رفتاری برخی مدیران عالی حوزه را در تشکر از رفتار مسئولان اجرایی در مناطق سیل‌زده و یا نقد آنها را برای فعالان میدانی تشریح کرد.

❖ ۳-۲- شناخت منابع اجتماعی و کنشگران نهادی

در کنار ساخت میدان و نیازها (که در بخش قبل به آنها اشاره شد)، از عوامل دیگر موفقیت افزایش شناخت طلاب و فعالان میدانی از منابع اجتماعی و کنشگران نهادی است که به صورت رسمی و وظیفه کمک‌رسانی را بر عهده دارند. در ساختار رسمی حاکمیت، نهادها و مؤسسات و سازمان‌های بسیاری برای کمک به مردم در مواقع بحرانی تشکیل شده‌اند؛

مانند سازمان هلال احمر و مجموعه‌های آن، کمیته امداد، سازمان مدیریت بحران، معاونت‌های مختلف در استانداری و فرمانداری‌ها و... طلاب و حوزویان که غالباً کنشگران مردمی و غیررسمی شناخته می‌شوند، درباره این منابع اجتماعی که حاکمیت ایجاد کرده است، شناخت کافی ندارند و این ناآگاهی در برخی موارد سبب بروز برخی ناهماهنگی‌ها و مشکلات می‌شود.

مسئله: ناآگاهی از وظایف و امکانات نهادهای مسئول در حوادثی مانند سیل، هم سبب سختی و در برخی موارد کندی فعالیت و تلاش‌های امدادگران می‌شود و هم ممکن است در برخی موارد خاص مشکلات حقوقی را نیز در پی داشته باشد (این مسئله به صورت جداگانه در ادامه توضیح داده خواهد شد). در سوی دیگر ممکن است برخی طلاب افراط کرده، جایگاه خود را به یک سازمان رسمی تقلیل دهند که این امر نیز

در نگاه مردم، امری پسندیده نیست و به جایگاه مردمی طلاب صدمه می‌زند.

راهبرد: درباره این مسئله پیشنهاد می‌شود:

۱- در دوره‌های آموزشی و کارگاهی که برای طلاب علاقه‌مند به این حوزه برگزار می‌شود، علاوه بر آموزش راهکارها و اقدامات علمیاتی، ظرفیت‌ها و مسئولیت‌های سازمان‌ها و نهادهای مسئول در این حوزه نیز مطرح شود؛

۲- در کنار شناخت ظرفیت‌ها و مسئولیت سازمان‌ها لازم است شیوه ارتباطی با سازمان‌ها و به بیان دیگر «مهارت‌های گفتگوی سازمانی» نیز به طلاب آموزش داده شود؛

۳- جایگاه و پایگاه حضور طلاب در اینگونه حوادث، مسجد محله است و تا زمانی که در مسجد محله و منطقه امکان حضور وجود داشته باشد، طلاب و گروه‌های مردمی باید از این ظرفیت استفاده کنند و هویت خود را از این طریق به مردم نشان دهند.



۴- سازمان تبلیغات اسلامی باید در جایگاه پشتیبان و تسهیل‌گر نهادی رابطه طلاب و روحانیون با سایر سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی و دولتی باشد.

❖ ۴-۲- جایگاه حقوقی و رسمی حوزه علمیه در امداد رسانی

سازمان مدیریت بحران کشور مهم‌ترین سازمان بالادستی برای مدیریت اوضاع بحران‌های طبیعی و ... در کشور است. همان‌طور که در بخش قبلی اشاره شد، از مشکلات و ضعف‌های روحانیت در عرصه امداد رسانی ناآگاهی از منابع اجتماعی است و این ضعف، در عرصه نهادی حوزه نیز وجود دارد. به بیان دیگر، لازم است حوزه عملیه در شورای عالی مدیریت بحران کشور، در جایگاه مهم‌ترین کنشگر نهادی که راهبری مدیریت بحران را برعهده دارد، به صورت حقوقی و قانونی حضور مؤثر داشته باشد.

مسئله: همان‌طور که اشاره شد، از مسائل ورود طلاب در عرصه امداد، وقوع برخی مشکلات حقوقی یا موانع قانونی است و حضور نداشتن قانونی و حقوقی حوزه علمیه در شورای عالی مدیریت بحران، جایگاه رسمی و حقوقی حضور طلاب را در عرصه امدادرسانی به برخی مشکلات دچار می‌کند و در برخی موارد، برخی نهادهای عضوین شورا، به بهانه حقوقی از حضور طلاب در مناطق سیل‌زده جلوگیری می‌کنند.

راهبرد: سیل اخیر، ظرفیت حضور طلاب و حوزه علمیه را در امدادرسانی و به ویژه امدادهای فرهنگی به خوبی نشان داد، در حالی که حاکمیت به صورت رسمی و قانونی هیچ وظیفه‌ای را بر عهده نهاد حوزه قرار نداده است و حتی در این مسیر مشکلاتی نیز وجود داشته است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود:

۱- در گام اول، مدیریت حوزه‌های علمیه با عنوان عضو حقوقی در شورای مدیریت بحران کشور حضور داشته باشد؛ زیرا همین

حضور زمینه را برای رسمیت بخشی به حضور روحانیت در امداد رسانی فراهم می‌کند و این رسمیت بخشی هم برخی از هزینه‌های مادی و زمانی را برای حضور مؤثر طلاب در میدان کاهش خواهد داد و هم ظرفیت‌های نهفته حوزه علمیه را در این مسیر فعال خواهد کرد؛

۲- تعاملات مدیریت حوزه علمیه و سایر نهادهای حوزوی مانند سازمان و دفتر تبلیغات اسلامی، که متولی امور مبلغان است، با نهادهایی مانند هلال احمر افزایش یابد و از این طریق بعد از برگزاری آموزش‌های امدادی، گروهی از طلاب با عنوان طلاب امدادگر به هلال احمر معرفی شوند.

۵-۳- ارتباطات فرامرزی با تاکید بر ظرفیت مسلمانان

تجربه سیل اخیر - به ویژه در خوزستان - نشان داد که در صورت داشتن برنامه و طرح مشخص می‌توان از ظرفیت‌های





بیرونی و خارج از مرزهای رسمی نیز استفاده کرد. در این برهه از زمان، تأکید بر مسائل اجتماعی و همبستگی با یکدیگر زمینه بسیار خوبی برای پیوند میان مردم و خصوصاً مسلمانان با یکدیگر خواهد بود و با توجه به اهمیت اتحاد مسلمانان و تقریب بین مذاهب اسلامی که راهبرد اساسی جمهوری اسلامی است می‌توان از این‌گونه بحران‌ها و از نگاه برخی، تهدیدهای به وجود آمده برای کشورهای مسلمان، به صورت فرصتی بزرگ برای نشان دادن اتحاد و انسجام مسلمانان با یکدیگر استفاده کرد.

مسئله: از مسائلی که به ویژه در این دوره با آن روبه‌رو بودیم، کاهش بسیار چشمگیر کمک‌های نهادهای بین‌المللی و کشورهای عضو صلیب سرخ به دلیل تحریم‌های ظالمانه و غیرانسانی آمریکا بود و مسئله‌ای که در این باره به خوبی مشخص شد، این بود که نباید مسیر ارتباطات بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های بیرونی را تنها به ارتباطات رسمی دانست

ولازم است از مسیرهای غیررسمی با تأکید بر حوزه کشورهای اسلامی و مسلمانان منطقه به صورت بهینه استفاده کرد. متأسفانه در این گونه حوادث به ظرفیت کم نظیر مسلمانان، هم از حیث کمیت و هم از حیث توجه به ابعاد انسانی و تأکیدات دین اسلام برای کمک به یکدیگر، آن گونه که شایسته است، توجه نشده است و حتی زمینه‌های رسمی برای این حضور فراهم نیست. در کنار بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها باید به این مسئله نیز توجه کرد که در صورت گسترش ارتباطات غیررسمی ممکن است برخی گروه‌ها از این فرصت سوءاستفاده کرده، با هدایت برخی جریان‌های رسمی و غیررسمی در بیرون از مرز به تبلیغ فرقه‌های ضاله مانند وهابیت در قالب کمک و امدادرسانی بپردازند.

راهبرد: در این باره باید ملاحظات و راهبردهای زیرتوجه کرد:

۱- ارتباط گروه‌های مذهبی و به ویژه طلاب منطقه اهواز با





طلاب کشور عراق باید تقویت شود و همچنین ارتباط علمی این مناطق با نخبگان و افراد مؤثر در منطقه برای ایجاد ظرفیت‌های لازم با هدف تقویت کمک به یکدیگر باید افزایش یابد؛

۲- طلاب جامعه المصطفی ظرفیتی کم‌نظیر برای بسط ارتباطات و جذب کمک‌های علاقه‌مندان به جمهوری اسلامی هستند و متأسفانه با وجود شعارهای فراوان نیز این ظرفیت آن‌گونه که شایسته است، توجه و از آن حمایت نشده است. در این باره می‌توان متناسب با هر منطقه‌ی بیرونی یک گروه تبلیغی و امدادی را از جامعه المصطفی در جایگاه رابط با کشور مبدأ، انتخاب کرد و آموزش‌های لازم در این باره را برای آنها برگزار کرد؛

۳- زمینه حضور گروه‌ها و علاقه‌مندان به نظام جمهوری اسلامی از سایر کشورها مانند پاکستان، عراق و... برای کمک به

مردم گرفتار حوادث تعریف شود؛

۴- در کنار موارد یادشده، ارتباط گروه‌های امدادی و خیریه‌های فرهنگی اجتماعی در سطح دنیای اسلام با یکدیگر - اعم از شیعه و سنی - و مشارکت در حل مشکلات و آسیب‌های اجتماعی مسلمانان در مناطق مختلف ضمن کاستن از دردها و مشکلات مسلمانان مسیر مهمی برای تقویت تقریب میان مسلمانان است و شکل‌گیری نظام‌مند و رسمی این ارتباط در قالب یک سامانه مشخص، ضمن تقویت و گسترش این گروه‌ها در جهان اسلام، تا حد زیادی مانع حضور گروه‌های غیررسمی منحرف خارجی در مرزها می‌شود.

۶-۲- فعالیت تشکیلاتی

از عوامل حضور مؤثر و اثربخش هرگروه و تشکل در میدان، توجه به مؤلفه‌ها و الزامات فعالیت تشکیلاتی است. در دوره

جدید فعالیت مدیریت عالی حوزه، تصمیم بسیار خوبی مبنی بر تشکیل شورای هماهنگی نهادهای حوزوی گرفته شد و در سطح کلان میان دستگاه‌های رسمی در درون حوزه همکاری و هماهنگی نسبتاً خوبی اتفاق افتاد که آثار آن در حادثه سیل نیز آشکار بود.

مسئله:

با وجود شکل‌گیری شورای هماهنگی دستگاه‌های حوزوی در سطح کلان، این ساختار و تفکر برای انجام کارهای گروهی در میان سایر سطوح و بخش‌ها و نهادها به صورت جدی شکل نگرفته است و در لایه‌ای دیگر انجام کارهای گروهی میان گروه‌های غیررسمی با یکدیگر و رسمی با غیررسمی هنوز با نقطه مطلوب فاصله زیادی دارد. برخی تصور می‌کنند که فعالیت تشکیلاتی برای آنان محدودیت‌آفرین است و علاقه دارند در هر کجا حضور دارند بر اساس تشخیص فردی اقدام

کنند. این تصور در برخی نهادها و تشکلهای نیز وجود دارد و تشکلهای و نهادهای رسمی و غیررسمی در درون گفتمان حوزه به سختی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. از دلایل شکل‌گیری این تصور آن است که تجربه‌های قبلی در برخی فعالیت‌های نشان داده است که برخی دستگاه‌های رسمی به دنبال کنترل کامل و دردست‌گرفتن مدیریت حرکت‌های جهادی هستند.

راهبرد: برای حل این مسئله موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- شکل‌دهی و تقویت شورای هماهنگی نهادهای حوزوی در هر استان و منطقه با حضور مهم‌ترین نهادهای رسمی و نمایندگان از مؤسسات و نهادهای مردمی در درون حوزه؛
- ۲- در هنگام وقوع این حوادث، لازم است مدیریت حوزه‌های علمیه یا امام جمعه هر شهر در جایگاه فرماندهی رسمی نیروهای حوزوی به تشکیل قرارگاه و ستاد مرکزی بپردازد و با نگاهی جامع از همه ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها - به ویژه



نیروه‌های جوان و خودجوش - استفاده کند. از بخش‌های این ستاد ساماندهی حضور و اعزام مبلغان فرهنگی (به ویژه بانوان طلبه)، رصد و شناسایی نیازهای فرهنگی، پشتیبانی و پوشش رسانه‌ای فعالیت‌ها و اقدامات است؛

۳- تشکیل قرارگاه و ستاد حوزوی به معنای استقلال از ستاد استان یا شهر حادثه‌دیده نیست بلکه این ستاد (حوزوی) در طول ستاد رسمی استان/شهر قرار می‌گیرد؛

۴- ضرورت تغییر نگاه حوزه از مدیریت و کنترل حرکت‌های جهادی طلاب جوان به بسترسازی و تقویت و پشتیبانی هوشمندانه این حرکت‌ها؛

۵- در کنار این ساختارسازی، لازم است مهارت‌های کارتشکیلاتی و گروهی نیز در دوره‌های آموزشی کارگاهی به طلاب آموزش داده شود.

حضور مدیران ارشد مراکز حوزوی در صحنه از نقاط قوت حضور نهادهای حوزوی در حادثه سیل اخیر بود. بدون شک، حضور مدیران عالی حوزه در میدان و مشاهده حضور طلاب و مشکلات آنها تأثیر مهمی در تصمیم‌گیری‌های صحیح و اصلاح سیاست‌های کلان خواهد داشت و این روند باید در سایر فعالیت‌ها نیز ادامه یابد که مطمئناً تأثیرات بسیار خوبی خواهد داشت. در کنار تأثیر این حضور در اصلاح سیاست‌ها و تصمیمات مهم‌ترین تأثیر این حضور در دلگرمی طلاب جوانی است که عاشقانه در این مسیر حضور یافتند.

مسئله: مهمترین مسئله‌ای که در این محور می‌توان به آن اشاره کرد، این است که تا قبل از این، حضور مدیران حوزوی در میدان به صورت قابل توجه و ملموس نبوده است و بیم آن هست که این حضور صرفاً در این‌گونه حوادث باقی بماند. به بیان

دیگر، این نوع حضور، باید به یک رویه همیشگی تبدیل شود. در کنار این مسئله این نکته رانیز باید گفت که حضور اکثر مدیران عالی حوزه در حادثه سیل، حضوری مؤثر و بلندمدت (چند روزه) بوده است اما تعداد کمی از مدیران نیز صرفاً چند ساعت در میدان (صرفاً دو جلسه و بدون تصمیم‌گیری) حضور داشتند. **راهبرد:** در این مسئله نیز راهبرد و ملاحظات زیر می‌تواند مد نظر باشد:

۱- اولین راهبرد، تداوم این شیوه در عمل مدیران عالی نهادهای حوزوی است.

۲- از تصمیمات صحیح گرفته‌شده در این مسیر، واگذاری برخی اختیارات به مدیران استانی بوده است. امید است که این مسیر ادامه یابد و به این باور برسیم که به جای تمرکز همه امور و تصمیمات در ستاد مرکزی نقش مدیران استانی و مدارس بیشتر شود. به نظر می‌رسد، بهتر است ستاد به

امور سیاست‌گذاری و نظارت راهبردی بپردازد و امور ناظر به برنامه‌ریزی و اجرا به سایر سطوح واگذار شود؛

۳- تدوین برنامه مشخص و گذاشتن زمان کافی برای حضور در میدان و بسنده نکردن به برگزاری جلسات رسمی.



جمع‌بندی

در این بخش، جمع‌بندی گزارش در قالب جدول زیر ارائه شده است. این جدول شامل چهاربخش «بعد، مؤلفه، مسئله/مسائل و راهبردهای پیشنهادی» برای حل مسائل است.

مسئله / مسائل	مؤلفه	بعد	راهبردهای پیشنهادی
چگونگی به کارگیری آموخته‌های مذهبی. ابهام در مأموریت سازمان‌های حوزوی مانند سازمان تبلیغات در حوادث طبیعی.	مُتَازِی‌زَفَشی حضور روحانیت	دانش، باور و تجربه دینی و مذهبی	برگزاری کارگاه‌های آموزشی کاربردی‌سازی معارف دینی ناظر به موقعیت‌های بحرانی. مشخص‌شدن مأموریت و وظایف سازمان تبلیغات اسلامی برای امدادرسانی در حوادثی مانند سیل و زلزله.
به رسمیت نشناختن ظرفیت بانوان طلبه و حتی ناآگاهی بسیاری از نهادهای و حتی حوزویان از این ظرفیت. توانمندنبودن بانوان طلبه برای حضور مؤثر در این موقعیت.	ظرفیت‌های بانوان طلبه		معرفی ظرفیت‌های حوزه علمیه خواهران و بانوان طلبه به سایر نهادهای به ویژه سازمان تبلیغات اسلامی. تمرکززدایی و پرهیز از یکسان‌سازی دروس آموزشی حوزه‌های خواهران و لزوم تدوین دروس متناسب با اقتضائات منطقه و بوم. آموزش مهارت‌های کار با کودکان و خانواده‌ها (دروسی مانند مددکاری، روان‌شناسی، مشاوره و...) در قالب آموزش‌های ضمن خدمت و به صورت کارگاهی.

بهد	مؤلفه	مسئله / مسائل	راهبردهای پیشنهادی
	برنامه‌ریزی بلندمدت برای حضور ساکنان در این مناطق	غفلت از نگاه راهبردی و حداقل میان‌مدت برای ارتباط با مردم این مناطق و پاسخ دادن به سؤالات و شبهات. ضعف برنامه‌ریزی مدیران و متولیان این حوزه. کاهش انگیزه برای حضور در این مناطق. برنامه‌ریزی و بهره‌گیری برخی گروه‌ها و فرقه‌های منحرف از این خا با استفاده از حضور بلندمدت در کنار مردم مناطق.	تدوین و اجرای برنامه میان‌مدت و بلندمدت برای حضور طلاب بومی در این مناطق به صورت دوره‌های دو تا سه‌ماهه. تدوین نظام انگیزشی و اجرایی (رفع موانع اجرایی به ویژه در نظام آموزشی) برای حضور طلاب در این مناطق. استفاده از ظرفیت فضایی حوزوی برای پاسخ‌دهی به سؤالات و شبهات اعتقادی و دینی مردم این مناطق. بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضای مجازی (در کنار حضور میدانی) برای تداوم ارتباط با مردم مناطق. گزارش‌دهی مستمر اداره تبلیغات اسلامی مناطق سیل‌زده از وضعیت دینی و فرهنگی منطقه به نهادهای رسمی برای اطلاع‌رسانی و اعلام ضرورت حضور بلندمدت طلاب در این مناطق.
دانش، باور و تجربه فرهنگی	مردم گری	وجود فاصله میان روحانیت و مردم. توجه‌نداشتن روحانیت به بازغایی خود در ذهنیت مردم. درون‌گرایی افراطی برخی نهادهای حوزوی و متمرکز بر توجه به خود به جای توجه به مأموریت و رسالت.	بهره‌گیری از مسیر خدمات اجتماعی- فرهنگی (امداد فرهنگی)، برای ایجاد ارتباط و کاهش فاصله واقعی با مردم؛ داشتن نقش واسطه میان مردم و حاکمیت برای بیان صحیح مشکلات مناطق محروم و سیل‌زده با تقویت روحانیون مستقر در مناطق. بازغایی صحیح از حضور روحانیت در کنار مردم با استفاده از متخصصان رسانه‌ای و جامعه‌شناسی و مردم‌نگاری. بازخوانی برنامه‌ها و اهداف سازمان‌های حوزوی بر مبنای نقش مردم و طلاب.





بعد	مؤلفه	مسئله / مسائل	راهبردهای پیشنهادی
	تفاوت فرهنگی از قوم	کم اهمیت بودن شناخت اقتضائات فرهنگی و بومی. ناآشنایی و بی‌توجهی به شناخت زبان‌های محلی و بومی. انتخاب مدیران غیربومی.	اعزام گروه‌های تبلیغی و جهادی طلاب با راهبری طلبه بومی از اهالی منطقه. اولویت‌داشتن حضور مبلغانی که قبلاً برای تبلیغ به مناطق اعزام شده‌اند، برای حضور در مناطق بحرانی (سیل، زلزله و...). طبقه‌بندی مناطق کشور بر اساس مشترکات فرهنگی و تعیین حوزه‌های معین برای موقعیت‌های امدادی و ... برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت مردم‌نگاری برای طلاب (با توجه به حضور میدانی طلاب در ایام رمضان، محرم، وقوع حوادث طبیعی و...). برگزاری دوره‌های امداد فرهنگی بر مبنای طبقه‌بندی فرهنگی مناطق. در اولویت‌بودن انتخاب سمت‌های مدیریتی در سازمان‌های دینی و حوزوی بر مدیران بومی.
	رصد و نیازسنجی	ضعف بخش رصد و نیازسنجی فرهنگی تبلیغی	تقویت بعد «رصد» و آموزش شیوه‌های شناسایی نیازهای مردم. طراحی و به‌کارگیری سامانه‌ها برای شناخت نیازهای فرهنگی و دینی.
	مهارت‌های مدیریت فرهنگی	ضعف مهارت‌های مدیریت فرهنگی برای فعالیت در گروه‌ها و...!	تدوین بسته‌های آموزشی ناظر به «مدیریت فرهنگی در شرایط بحران». برگزاری دوره‌های کارگاهی برای مدیران سازمان تبلیغات اسلامی در مناطق حادثه‌خیز.

بازنگری رسانه‌ای	مؤلفه	مسئله / مسائل	راهنماهای پیشنهادی
	بازنگری رسانه‌ای	کم‌توجهی طلاب و نهادهای حوزوی به تأثیر بازنگری رسانه‌ای در ذهنیت مردم نسبت به دین، طلاب و روحانیت.	بازنگری صحیح از حضور روحانیت در کنار مردم با استفاده از متخصصان رسانه‌ای و جامعه‌شناسی و مردم‌نگاری (ارجاعی از بخش مردم‌گرایی). آگاه‌سازی مسئولان و مدیران سازمان‌های حوزوی به چگونگی تأثیر بازنگری رسانه‌ای در ادراک و ذهنیت‌سازی مردم. توجه‌دادن مبلغان و نخبگان مؤثر میدانی به چگونگی تأثیر بازنگری رسانه‌ای فعالیت آنها در ادراک و ذهنیت‌سازی مردم.
	تجربه‌نگاری	ناآگاهی به ضرورت و اهمیت این کار. ضعف توانمندی طلاب (از حیث روشی و دانشی) برای انجام آن. حمایت‌نکردن از سازمان‌ها و مؤسسات پژوهشی حوزوی و غیرحوزوی.	برگزاری کارگاه آموزش تجربه‌نگاری برای عموم طلاب. تربیت پژوهشگران برای تجربه‌نگاری حضور طلاب در صحنه‌های فرهنگی اجتماعی. برگزاری نشست‌های علمی درباره این موضوع و تبدیل آن به گفت‌وگو علمی. حمایت از انجام و انتشار پژوهش‌های تجربه‌نگاری در مراکز پژوهشی حوزوی و سازمان تبلیغات اسلامی. گزینش و آموزش حداقل ۵۰ کارشناس خبره در مجموعه سازمان تبلیغات اسلامی (بر مبنای موقعیت‌های جغرافیایی مختلف) برای تجربه‌نگاری فعالیت‌های میدانی مبلغان.





مؤلفه	مسئله / مسائل	راهبردهای پیشنهادی
مدیریت و ساختارهای حوزه و حاکمیت	جریان‌سازی و شبکه‌سازی	پایان یافتن ارتباطات فعالان میدانی بعد از حضور کوتاه‌مدت در میدان و ادامه‌نیافتن ارتباط مستمر آنها با یکدیگر. استفاده نکردن از داده‌های میدانی در قالب یک شبکه اطلاعاتی منسجم و به‌روزرکردن آنها.
مناسبات مردم و حاکمیت	ایجاد ساختار دوگانه «دولتی- مردمی»	تأکید بر اصلاح برخی باورها در دوره‌های آموزشی بصیرت‌افزایی سیاسی و اصلاح نگاه و باور مدیران (خصوصاً مدیران میانی) و نخبگانی مانند سرگروه‌های تبلیغی، فعالان جهادی طلاب و ترویج برخی رفتارهای صحیح مدیران عالی حوزوه در تشکر از مسئولان اجرایی در مناطق سیل‌زده و نقد برخی رفتارهای آنها.
شناخت از منابع اجتماعی و کشران نهادی	ناآگاهی از منابع اجتماعی و کشران نهادی ایجادشده به دستور حاکمیت. ضعف تعاملات نهادی. تغییر و تقلیل جایگاه روحانیت به یک سازمان رسمی.	آشنایی طلاب با منابع اجتماعی و کشران نهادی در دوره‌های آموزشی و کارگاهی. آموزش تعاملات نهادی و مهارت‌های گفتگوی سازمانی به طلاب. حفظ و تقویت مسجد در جایگاه پایگاه حضور طلاب در این‌گونه حوادث. سازمان تبلیغات اسلامی در نقش پشتوانه و تسهیل‌گر نهادی رابطه طلاب و روحانیون با سایر سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی و دولتی باشد.

بهد	مؤلفه	مسئله / مسائل	راهبردهای پیشنهادی
	ایگاه حقوقی و رسمی حوزه علمیه در امدادسانی	حضور رسمی نداشتن حوزه علمیه در شورای عالی مدیریت بحران کشور. وجود برخی مشکلات و موانع حقوقی و قانونی برای حضور طلاب در امدادسانی میدانی.	تلاش برای عضویت حوزه علمیه در شورای عالی مدیریت بحران کشور. افزایش تعاملات و همکاری حوزه علمیه با نهادهای امدادی مانند هلال احمر و استفاده از ظرفیتهایی مانند سازمان داوطلبان جوانان هلال احمر.
	ارتباطات فرامرزی با تأکید بر ظرفیت مسلمانان	کم توجهی به ظرفیتهای غیررسمی فرامرزی. کم توجهی به ظرفیت مسلمانان علاقه مند به جمهوری اسلامی. امکان سوءاستفاده برخی گروههای معاند.	تقویت ارتباط حوزههای علمیه مناطق مرزی با کشورهای همسایه. ساماندهی ظرفیت طلاب جامعه المصطفی برای بهره گیری از ظرفیت مسلمانان کشورهای مقصد. آماده سازی زمینههای حضور و کمک رسانی مسلمانان از سایر کشورهای اسلامی. تشکیل خیریه و انجمنهای امداد فرهنگی در سطح دنیای اسلام برای حل مشکلات فرهنگی اجتماعی مسلمانان و جلوگیری از حضور نهادهای غیررسمی.



بهد	مؤلفه	مسئله / مسائل	راهبردهای پیشنهادی
	فعالیت تشکیلاتی	ضعف هماهنگی و همکاری میان نهادهای رسمی و غیررسمی در سطوح میانی و پایین. ضعف مهارت و نبود ساختار لازم برای کار تشکیلاتی. نگاه نادرست به مدیریت و کنترل حرکت‌های جهادی.	شکل‌دهی و تقویت شورای هماهنگی نهادهای حوزوی در هر استان و منطقه با حضور مهمترین نهادهای رسمی و نمایندگان از مؤسسات و نهادهای مردمی در درون حوزه. تشکیل قرارگاه حوزوی زیرنظر امام جمعه یا مدیر عالی حوزه (قرارگاه در طول قرارگاه رسمی است که در هر شهر یا استان تشکیل می‌شود و نه در عرض آن) با داشتن کمیته‌های فرهنگی، تبلیغی و رسانه‌ای. ضرورت تغییر نگاه حوزه از مدیریت و کنترل حرکت‌های جهادی طلاب جوان به بسترسازی و تقویت و پشتیبانی هوشمندانه این حرکت‌ها. آموزش مهارت‌های کار تشکیلاتی و گروهی در دوره‌های کارگاهی.
	مدیران در میدان	ترس از موقتی‌بودن این رویه در رفتار مدیران. صوری بودن برخی سفرها.	تداوم راهبرد حضور میدانی مدیران. داشتن برنامه مشخص و معین برای حضور در میدان و بسنده نکردن به جلسات رسمی. تمرکززدایی و تفویض اختیارات به مدیران استانی و منطقه‌ای.